



زیر سایه نفت؛ تاکی؟

موهبتی که بلای جان اقتصاد ایران شد!

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

دوشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۴۰۳

شماره ۱۶۸۱

آقای رئیس جمهور، مراقب باشید ماجرای شهرداری کرج برای استانداری البرز تکرار نشود؛

قالی بافی در خفا ممنوع!

زنگ خطر آموزش در البرز به صدا درآمد؛

کلاسی برای ایستاده‌ها!

سینمای ایران در آستانه ویرانی؛

فیلمفارسی شرف داشت!



سیاست‌های فرهنگی و زیست‌محیطی دولت پزشکیان زیر ذره‌بین «دنیای هوادار»؛ صد روز، صد سوال!

آغاز ریاست جمهوری او، نگاهی تحلیلی به عملکرد و تحقق وعده‌های او در این دو محور، می‌تواند به بررسی واقع‌بینانه‌ای از میزان موفقیت وی منجر شود... ادامه در صفحه ۴

آزادی‌های فرهنگی و ترویج هنر و فرهنگ ایرانی در جامعه‌ای که از فشارها و محدودیت‌ها خسته شده، او را به‌عنوان یکی از گزینه‌های محبوب انتخابات معرفی کرد. با گذشت صد روز از

تأکید بر توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی، بویژه منابع آبی کشور، در تلاش بود تا افکار عمومی را به سوی تغییراتی بنیادین جلب کند. همچنین، وعده‌های او در زمینه گسترش

پیش از آغاز دوران ریاست جمهوری مسعود پزشکیان، شعارها و وعده‌های او در دو حوزه حیاتی محیط زیست و فرهنگ، بسیاری را امیدوار به تحولی جدید در این زمینه‌ها کرده بود. پزشکیان با

یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شهید اسحاق تیزابی» که ۵ اسفند ۵۹ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



دولت و مردم

زمستانی سردتر از همیشه در انتظار است؛

۴ دستور مهم رئیس جمهور چه بود؟

رئیس جمهور با تأکید بر ضرورت اصلاحات اساسی در طرح‌های ارائه شده برای توسعه مکران، ۴ راهکار و دستور مهم و فوری برای آماده‌سازی زمین‌های لازم توسعه این منطقه مطرح کرد. به گزارش «دنیای هوادار»، دومین جلسه بررسی و تحلیل طرح‌های توسعه دریامحور با تأکید بر منطقه ساحلی مکران، صبح امروز یکشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۳ با حضور «مسعود پزشکیان» برگزار و طرح ارائه شده از سوی وزارت راه و شهرسازی در این زمینه و همچنین برخی موانع و چالش‌های پیش‌روی توسعه این منطقه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

وی در این جلسه رسیدن به نقطه مطلوب در طرح‌های توسعه مکران را نیازمند مسئله‌شناسی و ارائه راهکارهای چگونگی حل این مسایل با هدف ایجاد منطقه‌ای برآزنده مردم و کشور عنوان کرد و افزود: از این منظر معتقدم طرح‌های کلی ارائه شده برای توسعه مکران نیازمند تغییر اساسی بوده و با توجه به اینکه این منطقه قرار است به عنوان الگوی نوین توسعه و قطب اقتصادی و سیاسی کشور معرفی شود، هر طرحی باید متناسب با این چشم انداز ترسیم شود.

رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت لحاظ تناسب ظرفیت‌ها و موقعیت این منطقه با دیگر مناطق توسعه یافته در زنجیره ارزش جهانی، در تدوین طرح‌های توسعه‌ای برای آن اظهار کرد: ما مصمم به توسعه مطلوب این منطقه هستیم، چرا که از سیاست‌های اولویت‌دار مصوب رهبری معظم انقلاب و نیاز اساسی کشور است و برای تسریع در روند توسعه آن حتی ممکن است برخی جلسات دولت را در این منطقه برگزار کنیم.

پزشکیان در ادامه «تقویت اقتصادهای بومی منطقه»، «تأمین زیرساخت‌های لازم در حوزه انرژی با تکیه بر انرژی‌های تجدیدپذیر»، «تسریع در تکمیل کریدورهای مواصلاتی منطقه با همکاری شرکای بین‌المللی» و «جذب و متمرکز نمودن سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در مکران» را به عنوان چهار راهکار و پیشنهاد مهم و فوری برای شتاب‌بخشی به آماده‌سازی زمین‌های لازم برای توسعه مکران مطرح کرد و گفت: ضروری است که طرح‌ها و برنامه‌ریزان توسعه مکران حتماً از ظرفیت مشاوران زبده بین‌المللی در طراحی نقشه توسعه مکران استفاده نمایند.

«سخنگوی دولت» تأکید کرد؛

تأمین منابع مالی طرح‌های تولیدی و پیشران اقتصادی فراتر از روند جاری

سخنگوی دولت از تأمین ۲۵۰ تا ۳۰۰ همت منابع مالی برای طرح‌های تولیدی و پیشران اقتصادی فراتر از روند جاری خبر داد.

«فاطمه مهاجرانی» روز گذشته درباره مصوبات شورای اقتصاد دولت، گفت: موضوع محدودیت دسترسی به منابع مالی با نرخ مناسب اعم از تسهیلات و تأمین مالی و پولی از بازار سرمایه در ستاد اقتصادی دولت مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به این که حمایت از تولید ضرورت دارد مقرر شد برای طرح‌های تولیدی و پیشران کشور ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار میلیارد تومان فراتر از روند جاری تأمین مالی صورت پذیرد.

وی افزود: هم چنین جهت حمایت از بازار سرمایه مقرر شد انتشار اوراق با نظم بهتری انجام شود و حتماً کمیته هماهنگی انتشار اوراق با حضور سازمان بورس تشکیل شده و نظام نرخ‌های تأمین مالی بازار پول و سرمایه اصلاح شود.

سفر بسیار مهم گروسی به تهران

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز گذشته در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که «رافائل گروسی»، مدیرکل دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل روز چهارشنبه به منظور دیدار با مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران به تهران سفر خواهد کرد و درباره تمام جنبه‌های مربوط به بیانیه مشترک توافق شده با ایران در مارس ۲۰۲۳ بحث‌های فنی خواهد داشت. در ادامه این اطلاعیه آمده است: دیدارهای او در تهران، مبتنی بر گفت‌وگوهای مدیرکل با «سید عباس عراقچی»، وزیر امور خارجه ایران در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر خواهد بود. رافائل گروسی نیز در این باره گفت: ضروری است که ما در اجرای بیانیه مشترک توافق شده با ایران در مارس ۲۰۲۳ پیشرفت اساسی داشته باشیم. سفر من به تهران در این زمینه بسیار مهم خواهد بود.

دوشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۳ شمارگان ۱۶۸۱

دنیای هوادار

رویداد

سرمقاله

سینمای ایران در آستانه ویرانی؛

فیلمفارسی شرف داشت!

مهدی تیموری

در سینمای ایران احساس نمی‌شود؟ گویی که تنها چیزی که از فیلم توقع می‌رود، آن است که چند کاراکتر کلیشه‌ای و تصنعی بر روی پرده ظاهر شوند و با چند شوخی سطحی و حرکات تکراری، مخاطب را چند لحظه‌ای بخندانند. آیا سینمای ایران واقعاً به این حد از سطحی‌نگری رسیده است؟ در سال‌های گذشته، وقتی آثار فیلمفارسی بدلیل ساختار ضعیف و محتوای محدودشان نقد می‌شدند، کسی گمان نمی‌کرد که روزی به مرحله‌ای برسیم که همان فیلم‌های فیلمفارسی در مقایسه با آثار کنونی سینما، کیفیت بهتری داشته باشند. دست کم فیلمفارسی‌ها جرأت داشتند که داستانی روایت کنند و شخصیت‌هایشان را در چارچوبی مشخص تعریف کنند. در آن زمان، شاید طنز و کمدی به شکل امروز سطحی نبود و فیلم‌ها برای ایجاد خنده از پیامدهای انسانی و اجتماعی استفاده می‌کردند؛ اما امروزه، تنها چیزی که به نمایش گذاشته می‌شود، نمایش حرکات مصنوعی و خنده‌آوری است که هیچ عمقی ندارند و حتی مخاطب عام را نیز نمی‌توانند به خود جذب کنند.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های سنگین در تولید این نوع فیلم‌ها نشان می‌دهد که نگاه اقتصادی و سودجویانه به سینما، تمامی وجوه دیگر را تحت‌الشعاع قرار داده است. فیلمسازان و تهیه‌کنندگان بیشتر بدنبال تولید آثاری هستند که بدون کمترین ریسک بتوانند درآمدزایی کنند، حتی اگر این امر به قیمت از دست دادن اعتبار سینمای ایران باشد. این مسئله نه‌تنها به گیشه‌ها آسیب زده، بلکه سینما را از خلاقیت و نوآوری تهی کرده است. بنظر می‌رسد که سینما برای بسیاری از تولیدکنندگان تنها ابزاری برای کسب درآمد شده و هیچ تعهدی به هنر و فرهنگ ایرانی ندارند.

بوضوح می‌توان مشاهده کرد که سینمای ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به تغییر رویکرد و نگاه نیازمند است. جامعه‌ای که درگیر مسائل و مشکلات گوناگونی است، نیازمند سینمایی است که بتواند پیام‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی را به‌شيوه‌ای جذاب و با زبان سینما به او منتقل کند. سینمایی که به مسائل مهم جامعه بپردازد و در عین

بنظر می‌رسد سینمای ایران درحال سپری کردن یکی از تاریک‌ترین ادوار خود است؛ دورانی که سینما را از جایگاه هنری و فرهنگی‌اش دور کرده و به ساحت صرفاً اقتصادی و تجاری تنزل داده است. نگاهی به آثار پرفروش سینمای ایران نشان می‌دهد که کمدی‌های سطح پایین و مبتذل، بی‌هیچ چالشی بر گیشه‌ها حکمرانی می‌کنند و دیگر نشانی از داستان‌های جذاب و شخصیت‌پردازی‌های عمیق در این آثار وجود ندارد. بجای آن، تنها چند مرد در حال قر دادن و صحنه‌های تکراری و شوخی‌های سطحی‌رامی‌بینیم که بجای خنده‌ای عمیق، بیشتر باعث تعجب و تأسف می‌شود.

چرا سینمایی که زمانی فیلم‌سازانی نظیر عباس کیارستمی، داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی در آن درخشیدند، امروز به وضعیتی رسیده که حتی فیلمفارسی‌های قدیمی نیز در مقایسه با آن جلوه‌ای فاخر پیدا می‌کنند؟ شاید پاسخ در نگاه سطحی و مادی‌گرایانه‌ای باشد که به سینما به‌عنوان یک صنعت صرف و نه یک هنر نگریسته می‌شود. این نگاه، سینما را به ماشین پول‌سازی تبدیل کرده و فیلمسازان را تشویق می‌کند که برای تضمین فروش، به کلیشه‌های ساده و بی‌خطر روی بیاورند. بنظر می‌رسد که هدف اصلی سینماهای ما دیگر ایجاد تجربه‌ای هنری یا انتقال پیامی عمیق نیست؛ بلکه گویی تنها هدف، پر کردن سالن‌ها و خالی کردن جیب مخاطبان شده است.

اگر به آثار قدیمی فیلمفارسی بازگردیم، می‌بینیم که با وجود ایراداتی همچون سطحی‌بودن محتوا و کلیشه‌ای‌بودن شخصیت‌ها، حداقل دارای خط روایی مشخص و داستانی قابل‌فهم برای مخاطب بودند. این آثار به گونه‌ای ساخته می‌شدند که مخاطب بتواند با شخصیت‌ها همذات‌پنداری کند و حتی اگر داستان ساده بود، حس همدلی یا حداقل سرگرمی واقعی را به او القا می‌کرد. اما امروز، در مواجهه با کمدی‌های ایرانی، حتی این حس هم از بین رفته است. آیا دیگر هیچ‌گونه نیازی به شخصیت‌پردازی، داستان‌سرایی و روایت هنرمندانه



حال بتواند به‌صورت هوشمندانه و با طنزی پخته، شادی و نشاط را به مردم هدیه دهد. اما این امر در سایه آثار کنونی که تنها هدفشان خنداندن سطحی و لحظه‌ای است، امکان‌پذیر نیست.

بهترین امید برای آینده سینمای ایران، ظهور نسلی تازه از فیلمسازان جوان است که برخلاف نسل‌های پیشین، دیدگاه متفاوت و خلاقانه‌ای به مقوله سینما دارند. این فیلمسازان که بیشتر به ارزش‌های هنری و محتوای اصیل توجه دارند، می‌توانند سینمای ایران را از ورطه تکرار و سطحی‌نگری نجات دهند. اما این نیازمند حمایت‌های مادی و معنوی از سوی نهادهای فرهنگی و سینمایی است تا بتوانند بدون فشار اقتصادی و محدودیت‌های بیهوده، به تولید آثار خلاقانه و هنری بپردازند. این نسل جدید می‌تواند نگاه تازه‌ای به طنز و کمدی داشته باشد و از کلیشه‌ها فاصله بگیرد، اما برای تحقق این هدف، نیاز به فضایی آزاد و باز برای بیان افکار و ایده‌هایشان دارد.

در صورتی که سینمای ایران به همین مسیر ادامه دهد و از خلاقیت، تنوع و عمق فاصله بگیرد، دور از ذهن نیست که طی سال‌های آتی گیشه‌های سینمایی خالی‌تر و بیشتر از مخاطبان واقعی سینما تهی شود. آینده‌ای که در آن دیگر کمتر کسی به سینما به‌عنوان یک هنر نگاه کند و سینماها تنها محلی برای گذران وقت باشند. این سرزشت تلخ، همان چیزی است که سینمای ایران به‌شدت باید از آن پرهیز کند و از مسیر فعلی خود به سمت آینده‌ای بهتر و متعالی‌تر تغییر مسیر دهد.

ترامپ ۲۰۲۴، ترامپ دیگری است

خطرات خاصی با آمدن ترامپ می‌تواند برای ایران ایجاد شود، اما معتقدم باید منتظر باشیم تا او در جایگاه ریاست‌جمهوری قرار بگیرد و مواضعش را بشنویم. هر چند که برنامه مشخص ما درباره دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان بعد از چهار دهه روشن است.

وی ادامه داد: ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نسبت به چهار سالگی که ترامپ در گذشته بر سر کار بود، جایگاه و قدرتش بیشتر شده است و آمریکا وضعیت و قدرت قبل را ندارد به ویژه که در خاورمیانه شاهد گیر افتادن رژیم صهیونیستی در تنگنای جبهه مقاومت هستیم. با وجود همه جنایات نتانیاهو و خساراتی که در غزه و فلسطین به بار آورده است قدرت مقاومت حرف اول را می‌زند و هم‌چنان یک بازیگر تعیین‌کننده در منطقه است.

وی ادامه داد: به نظرم ترامپ ۲۰۲۴، ترامپ دیگری است؛ شاید او به قدرت ایران اعتراف نکند، اما مجبور است قدرت ما را ببیند و این قدرت ناشی از مردم و انقلاب و مقاومت در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی است.

هر چند سابقه فعالیت و پیگیری سیاست‌های ترامپ برای دنیا روشن است، اما باید دید که در دوره جدید آیا با همان رویکرد قبلی به این عرصه وارد می‌شود یا در سیاست‌ها و رویکردهایش تفاوتی ایجاد خواهد کرد. در عین حال روشن است که سکانداری ریاست‌جمهوری ترامپ حتی با روسای‌جمهور جمهوری‌خواه سابق متفاوت خواهد بود.

در این میان بازگشت ترامپ به کاخ سفید برای ایران و منطقه پیام‌هایی دارد که با توجه به تحولات یک سال اخیر در غرب آسیا، برخی کارشناسان شرایط وخیم‌تری را پیش‌بینی می‌کنند و برخی هم معتقدند باید منتظر ماند و دید که ترامپ با چه دست‌فرمانی حرکت خواهد کرد.

«سیدعلی سقائیان» دیپلمات پیشین ایران با اشاره به انتخاب ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا و سیاست خارجی این کشور در رابطه با ایران گفت: فضای خبری و رسانه‌ای تا حدی در این رابطه مصنوعی است و بیرون از ایران و برخی از کارشناسان داخلی نوعی نگرانی از روی کار آمدن ترامپ را القا می‌کنند، مبنی بر اینکه مجدد



کارشناس مسائل بین‌الملل گفت که ترامپ ۲۰۲۴، ترامپ دیگری است؛ شاید او به قدرت ایران اعتراف نکند، اما مجبور است قدرت ما را ببیند، قدرتی که ناشی از مردم، انقلاب و مقاومت در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی است.

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا با پیروزی «دونالد ترامپ» به پایان رسید. روی کار آمدن مجدد ترامپ در آمریکا پیام‌های دور و نزدیکی را به سراسر دنیا و کشورهای مختلف ارسال کرد.



انفجار گاز در مهرشهر کرج یک مصدوم برجای گذاشت

«مهدی سمیعی» سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج- از انفجار گاز در محله حسین آباد مهرشهر کرج و مصدومیت یک نفر و خسارت به ۲ واحد تجاری خبر داد و گفت: در پی تماس شامگاه گذشته شهروندان با سامانه ۱۲۵ مبنی بر انفجار گاز در حسین آباد مهرشهر بلافاصله نیروهای عملیاتی از ایستگاه های ۱۱۴ و ۱۲۶ کرج به محل حادثه اعزام شدند. این انفجار در ۲ واحد تجاری، آرایشگاه و خیاطی به متراژ رخ داد که منجر به تخریب شیشه های املاک مذکور و مجاور و همچنین شیشه های یک دستگاه خودرو پارک شده در محل حادثه شد. بر اثر این انفجار یک مرد ۲۶ ساله چار مصدومیت شد و توسط آتش نشانان تحویل امدادگران اورژانس شد.

داستان جلد

آقای رئیس جمهور، مراقب باشید اجرای شهرداری کرج برای استانداردسازی البرز تکرار نشود!

قالی بافی در خفا ممنوع!

مرتضی دهقان آزاد



آن‌ها با پناه گرفتن در زیر سایه حمایت سلطه‌سالاران پایتخت‌نشین، هزینه‌های ماندگاری خود را به پای آنان حساب می‌کنند و با خرج کردن از کیسه قدرت، هم در مقابل افکار عمومی و هم در برابر مطالبه‌گران تغییر مدیریت در استان، چنین وانمود می‌کنند که تلاش‌ها بی‌نتیجه است؛ چرا که قالی استانداردسازی البرز در پایتخت بافته می‌شود. کوتاه سخن اینکه، اگر خدای ناکرده شائبه حمایت باندی و پشت پرده‌ای صحیح باشد، باید فاتحه مردم‌سالاری دینی را خواند. اما اگر این‌طور نباشد، انتظار می‌رود آتانی که نام و اعتبارشان بدون اجازه هزینه می‌شود، به میدان بیایند و نه فقط در گفتار، بلکه در عمل و رفتار، ضمن اعلام برائت از سوءاستفاده‌کنندگان، با صداقت و شفافیت خلاف این شبهات را اثبات کنند تا مردم عملکرد نادرست را به حساب نظام نگذارند و سلطه‌طلبی برخی به مرگ شایسته‌سالاری دینی و فاصله بیشتر مردم از حاکمیت منجر نشود.

کنند. در غیر این صورت، فقط افرادی را جایگزین می‌کنند که وابسته به باند خودشان باشند. بدیهی است که در چنین اوضاعی، جناح‌ها و احزاب سیاسی، به‌ویژه اصلاح‌طلبان که نقش بیشتری در به قدرت رسیدن دولت چهاردهم داشته‌اند، از انواع ابزارهای مطالبه‌گری استفاده می‌کنند تا استاندار مطلوب خود را به کرسی بنشانند و از حضور افراد ناکارآمد و مخالفان آشکار دولت مستقر جلوگیری کنند. با توجه به این نگاه، حتی اگر وفاق ملی را نوعی توافق نانوشته و پشت پرده‌ای بین دولت و مجلس در نظر بگیریم، احزاب طرفدار دولت و اعضای ستادهای رئیس‌جمهور به دلیل برخورداری از آرای بیشتر و تلاش برای هم‌سویی اکثریت در ساختار جدید، حق دارند در فرآیند این تغییر و تحولات نقش بیشتری ایفا کنند و مدیرانی در تراز توسعه تعیین نمایند. در این میان، هرچند دولت دکتر پزشکیان تحت انواع فشارها قرار دارد و روزانه نامه‌ها، طومارها و پیام‌های متعددی از طریق رسانه‌ها یا وزارت کشور و دفتر ریاست‌جمهوری دریافت می‌کند، دولت چهاردهم با وجود مدیران کارآمد و باتجربه، قطعاً با پدیده قحط‌الرجال مواجه نیست که جابه‌جایی برخی استانداران را به بهانه حفظ وفاق ملی یا مصلحت سیاسی به تعویق بیندازد و وعده «تغییر» را قربانی «سفارش‌پذیری» از سلطه‌طلبان نماید. کسانی که نه‌تنها در انتصاب نیمی از استانداران کشور دخالت دارند، بلکه اکنون با طمعی ویژه، استان البرز را نیز وجه المصالحه زدوبندهای خود کرده‌اند. شگفت‌انگیزتر آنکه هم‌زمان با افزایش انتقادات سیاسی و اجتماعی در البرز، برخی تشنگان قدرت در سایه حمایت رسانه‌های حامی، بفا و ابقای خود را تضمین شده می‌دانند.

این روزها انتخاب استانداران دولت چهاردهم در شرایطی به یکی از مسائل مناقشه‌برانگیز بین احزاب، جناح‌ها و حتی دستگاه‌های حاکمیتی کشور تبدیل شده که گروهی از لابی‌گران و منفعت‌طلبان با ماسک «نفاق» و سوءاستفاده از شعار «وفاق» تلاش می‌کنند با ترجیح «تزویر» بر «تدبیر»، مردم را از هرگونه امید به تحقق «تغییر» ناامید سازند. در این شرایط نه‌چندان مطلوب، بسیاری از کسانی که «وفاق ملی» را به «وفاق میلی» تفسیر کرده‌اند، از فرصت بهره برده و با تکیه بر ادعاهای خود مبنی بر عدم دخالت در انتصاب استانداران، به هر قیمتی تلاش می‌کنند با استفاده از روابط برخی مقامات عالی‌رتبه، استانداران وابسته و سفارشی خود را در استان‌هایی که از دولت قبل نیز برایشان محفوظ مانده، ابقا

بدیهی است که در چنین اوضاعی، جناح‌ها و احزاب سیاسی، به‌ویژه اصلاح‌طلبان که نقش بیشتری در به قدرت رسیدن دولت چهاردهم داشته‌اند، از انواع ابزارهای مطالبه‌گری استفاده می‌کنند تا استاندار مطلوب خود را به کرسی بنشانند و از حضور افراد ناکارآمد و مخالفان آشکار دولت مستقر جلوگیری کنند.

گام مهم دولت در پاکیزگی محیط زیست البرز؛ مازوت نیروگاه منتظر قائم قطع شد



کامل سوخت گاز و حذف مازوت و گازوئیل مهم‌ترین مطالبه مردم برای ادامه فعالیت نیروگاهی است که با گسترش ساخت و سازها، امروز در مجاورت محل زندگی آن‌ها قرار گرفته و سهم قابل توجهی در آلودگی هوای فردیس و کرج دارد. گرچه گفته می‌شود منابع متحرک یعنی وسایل نقلیه شخصی و عمومی عامل ۷۰ درصد آلودگی هوا شمرده می‌شوند و منابع ثابت که نیروگاه نیز در این دسته جای دارد ۳۰ درصد در آلودگی هوا سهم دارند، با این حال اما آلودگی نیروگاه منتظر قائم برای جمعیت فردیس که مهاجرت‌های گسترده جمعیت آن را افزوده است، خطر بزرگی محسوب می‌شود. نیروگاه منتظر قائم که از بزرگترین نیروگاه‌های کشور به‌شمار می‌رود، به دلیل استفاده از مازوت، سهم زیادی در افزایش آلودگی هوای تهران و البرز دارد و به صورت سالانه مقادیر بالایی دی‌اکسید گوگرد و ذرات معلق را وارد اتمسفر می‌کند. آلودگی‌های ناشی از مازوت نه تنها باعث افزایش بیماری‌های تنفسی، قلبی و عروقی در جمعیت اطراف می‌شوند، بلکه محیط زیست و منابع طبیعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. دی‌اکسید گوگرد و اکسیدهای نیتروژن حاصل از احتراق مازوت در هوا واکنش‌های شیمیایی پیچیده‌ای را ایجاد کرده و به تشکیل ذرات معلق ریز و باران‌های اسیدی منجر می‌شوند که اثرات مخربی بر جنگل‌ها، خاک و حتی آب‌های سطحی دارد.

و سوخت مصرفی نیروگاه منتظر قائم از ابتدا مازوت سوز بوده که بعدها با همکاری یک شرکت داخلی از سال ۷۷ تاکنون سوخت گاز نیز در جریان سوخت رسانی نیروگاه قرار گرفته است اما مشکل از زمانی جاد شد که در فصول سرد سال به دلیل نیاز مبرم شهری به گاز طبیعی و عدم تکافوی سهمیه گاز طبیعی تخصیص یافته برای همه مصارف خانگی، صنعتی و تجاری نیروگاه، مجبور به استفاده از سوخت‌های جایگزین مازوت و گازوئیل شده که سهم بسزایی در آلودگی محیط زیست دارد. گرچه تا کنون اقدامات موقتی برای کاهش آلودگی نیروگاه تدبیر و اجرا شده اما نتوانسته از مشکلات بزرگ موجود بکاهد و آلودگی نیروگاه تا جایی پیش رفت که اواخر دی ماه سال گذشته شیر مازوت این نیروگاه پلمب شد تا دی اکسید گوگرد ناشی از سوخت مازوت آسیب کمتری به سلامت شهروندان وارد کند. اگر نسبت به فعالیت این نیروگاه در همان سال‌های اولیه سهمین شدنش در آلودگی هوای استان البرز سخت‌گیری می‌شد شاید مردم سی و یکمین استان کشور مجبور نبودند طی این سالها اینقدر هزینه برای آلودگی هوا که حتی در بسیاری از مواقع کار را به تعطیلی مدارس و ادارات می‌کشاند، بپردازد. اما چالش مهم نیروگاه منتظر قائم مربوط به استفاده از سوخت مازوت و گازوئیل به ویژه در فصل زمستان است که آلودگی هوا را چند برابر می‌کند؛ جایگزینی

مصوبه مهم دولت چهاردهم برای قطع سوخت مازوت در تعدادی از نیروگاه‌های کشور از جمله نیروگاه منتظر قائم استان البرز موجب شده تا از امروز یکشنبه، دود و غبار از آسمان شهرستان فردیس رخت بر بسته و ساکنان منطقه و اطراف نفس راحتی بکشند. ساکنان استان پرجمعیت البرز در این سال‌ها افزون بر آلودگی‌های متحرک از دود ناشی از برخی صنایع و تاسیسات صنعتی مانند نیروگاه منتظر قائم شهرستان فردیس رنج می‌برد که اقدام به موقع دولت چهاردهم یکی از منافع مهم آلودگی را بست. این نیروگاه با چهار واحد بخار، ۶ واحد گازی و سه واحد سیکل ترکیبی با ظرفیت تولیدی معادل هزار و ۸۰۰ مگاوات برق، تأمین کننده سه درصد برق کشور است

زنگ خطر آموزش در البرز به صدا درآمد!

کلاسی برای ایستاده‌ها!

مهدی صالحی

استان البرز به عنوان یکی از مناطق مهاجرپذیر و رو به رشد کشور، در سال‌های اخیر با چالش‌های بسیاری در حوزه‌های مختلف مواجه شده است؛ از جمله این چالش‌ها، مسئله کمبود سرانه‌های آموزشی است. این استان به دلیل افزایش جمعیت و نیاز روزافزون به فضاهای آموزشی، نتوانسته پاسخگوی نیازهای جوانان و نوجوانان باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مدارس و فضاهای آموزشی این استان از نظر امکانات و فضای فیزیکی با مشکلات عمده‌ای روبه‌رو هستند که مستقیماً کیفیت آموزشی و رفاه دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یکی از دلایل عمده این بحران، رشد سریع جمعیت در استان البرز است. البرز که به دلیل همجواری با پایتخت، مورد توجه بسیاری از مهاجران قرار گرفته، ظرفیت محدودی برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی دارد. هرچند این مهاجرت‌ها در ابتدا می‌تواند از نظر اقتصادی مفید باشد، اما در صورت عدم توسعه زیرساخت‌های آموزشی، موجب نابرابری و کاهش کیفیت آموزشی خواهد شد.

کمبود مدارس کافی در استان البرز باعث شده است که کلاس‌های درس با تراکم بالای دانش‌آموزان مواجه شوند. این وضعیت نه تنها به کیفیت آموزش صدمه می‌زند، بلکه محیطی نامطلوب برای دانش‌آموزان و معلمان فراهم می‌کند. افزایش تراکم در کلاس‌ها مانع از تعامل مؤثر معلمان با دانش‌آموزان می‌شود و فرصت یادگیری فردی را از بین می‌برد. نتیجه این وضعیت، افت تحصیلی دانش‌آموزان و نارضایتی خانواده‌ها از سیستم آموزشی خواهد بود.

یکی دیگر از مشکلات استان البرز در حوزه آموزش، فرسودگی زیرساخت‌ها و کمبود فضاهای آموزشی استاندارد است. بسیاری از مدارس این استان با کمبود فضای مناسب و عدم تجهیز به امکانات اولیه آموزشی مواجه‌اند. در برخی مناطق، مدارس قدیمی و غیراستاندارد هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرند که باعث ایجاد خطرات ایمنی برای دانش‌آموزان می‌شود. از سوی دیگر، عدم توجه به نوسازی و بهبود زیرساخت‌ها باعث شده که این مراکز آموزشی، پاسخگوی نیازهای آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان نباشند.

برای حل مشکل کمبود سرانه‌های آموزشی در استان البرز، نیاز به یک برنامه‌ریزی جامع و بلندمدت است که بتواند توسعه و نوسازی زیرساخت‌ها را تسریع کند. همکاری بین دولت، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی برای جذب سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی مورد نیاز، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود وضعیت کنونی کمک کند. همچنین، تصویب قوانین و مقررات لازم برای افزایش بودجه آموزش در این استان و تخصیص منابع کافی به این بخش ضروری به نظر می‌رسد.

کمبود سرانه‌های آموزشی در البرز، موضوعی است که با عدالت آموزشی و فرصت‌های برابر برای دانش‌آموزان گره خورده است. دانش‌آموزان این استان باید از همان امکانات و فرصت‌هایی برخوردار باشند که در دیگر استان‌های کشور فراهم است. بی‌توجهی به این مسئله می‌تواند موجب تشدید نابرابری‌ها و ایجاد چرخه‌ای از فقر و ناتوانی در نسل‌های آینده شود.

کمبود امکانات آموزشی در استان البرز تنها یک مسئله آموزشی نیست، بلکه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای نیز به همراه دارد. ناتوانی در فراهم کردن امکانات آموزشی مناسب می‌تواند منجر به افزایش نرخ ترک تحصیل، بیکاری و مشکلات اجتماعی در آینده شود. علاوه بر این، کاهش سطح آموزش عمومی باعث کاهش مهارت‌ها و تخصص‌های لازم برای توسعه اقتصادی منطقه خواهد شد.

نتیجتاً؛ بایستی گفت بحران کمبود سرانه‌های آموزشی در استان البرز، زنگ خطری برای آینده این استان و کشور به شمار می‌رود. این بحران، نیازمند توجه فوری مسئولان و ارائه راهکارهای اساسی است. با سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه زیرساخت‌های آموزشی، می‌توان از بروز مشکلات جدی‌تر در آینده جلوگیری کرد و بستری مناسب برای رشد و تعالی نسل‌های آینده فراهم آورد.

۶۰ درصد تهرانی‌ها فعالیت فیزیکی کافی ندارند!

رئیس پژوهشگاه غدد و متابولیسم دانشگاه دانشگاه علوم پزشکی تهران گفت: ۸۰ تا ۹۰ درصد افراد دیابتی، چاق هستند و ۶۰ درصد تهرانی‌ها فعالیت فیزیکی کافی ندارند. دکتر باقر لاریجانی روز گذشته در دومین روز سمینار تازه های دیابت با اشاره به نقش ژنتیک در درمان این بیماری اظهار داشت: با توجه به اطلاعات فراوان در مورد تاثیر ژنتیک در دیابت نوع ۱ و ۲ و عوارض و درمان آن، با بهره‌گیری از هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی، می‌توانیم در آینده، بیماری دیابت را کنترل کنیم.

وی با بیان اینکه با افزایش اطلاعات متخصصان در زمینه ژنتیک و امیکس (Omics)، پزشکی فردی در درمان دقیق بسیاری از بیماری‌ها مورد توجه قرار دارد، افزود: این دانش در کنار اطلاعات بالینی می‌تواند در پیدا کردن راهکار مناسب‌تر درمان بیماری‌ها موثر باشد.

این متخصص غدد، افزایش دیابت و چاقی را یک مسئله جهانی دانست و افزود: در بسیاری از کشورها، توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی در کنترل دیابت موفق نبوده و این شیوع در منطقه خاورمیانه افزایش چشمگیری داشته است. وی ادامه داد: مطالعات نشان می‌دهد در سال‌های اخیر، دیابت در بالغین از حدود ۱۱ درصد به ۱۴ درصد و در افرادی که زمینه ابتلا به دیابت دارند حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است و این تأییدی بر ضرورت اتخاذ تدابیر ویژه برای کنترل دیابت بویژه دیابت نوع ۲ است.

لاریجانی با بیان اینکه ۸۰ تا ۹۰ درصد افراد دیابتی، چاق هستند و ۶۰ درصد تهرانی‌ها فعالیت فیزیکی کافی ندارند افزود: با تغذیه مناسب و فعالیت بدنی که منجر به لاغری شود می‌توان از بروز این بیماری پیشگیری کرد.

رئیس پژوهشگاه غدد، ژنتیک را عامل ابتلا به دیابت نوع یک بیان کرد و افزود: این نوع دیابت نیز به دلایلی روبه افزایش است.

لاریجانی با اشاره به عوامل بروز دیابت نوع ۲ و راهکار پیشگیری از آن افزود: تغییر سبک زندگی و کاهش فعالیت بدنی، تغذیه نامناسب و استفاده از غذاهای فوری (فست فود)، شیوع دیابت نوع ۲ را افزایش داده که بهترین راه حل آن اصلاح سبک زندگی است.

رئیس پژوهشگاه غدد خاطر نشان کرد: در مواردی که فرد مبتلا می‌شود، می‌توان با درمان‌های مناسب از بروز عوارض آن پیشگیری کرد.

وی در توضیح طیف دیابت از درمان‌های ساده تا پیچیده گفت: مطالعات ژنتیک و امیکس نشان می‌دهد بروز و درمان دیابت در افراد مختلف متفاوت است. در برخی افراد روش‌های ساده مانند ورزش و تغذیه و داروی کم و در برخی دیگر انسولین و روش‌های درمانی پیچیده متفاوت است.

لاریجانی با تأکید بر بکارگیری روش‌های جدید در سهولت درمان بیماران افزود: امروز شناخت ما نسبت به عوارض داروها بیش از گذشته است و با مطالعات ژنتیک می‌توان پیش بینی کرد چه بیماری به چه دارویی عارضه نشان می‌دهد. با تجربه کلینیکی هم می‌توان تا حد زیادی عارضه دارویی را کاهش داد و در صورت بروز عارضه از داروهای جایگزین استفاده کرد. در سمینار دو روزه تازه‌های دیابت از نسخه به روز رسانی شده راهنمای مدیریت دیابت با هدف تعیین استانداردهای مراقبت، تسهیل تصمیم‌گیری بالینی و افزایش کیفیت زندگی بیماران رونمایی شد.



پلمب دو داروخانه متخلف در سراوان

در بازرسی کارشناسان معاونت غذا و دارو از داروخانه‌های شهرستان سراوان، دو باب داروخانه به علت عدم رعایت قوانین و مقررات پلمب شدند. این سازمان اعلام کرد: در پی بازرسی‌های انجام شده توسط کارشناسان معاونت غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، دو داروخانه در شهرستان سراوان به دلیل عدم ثبت اطلاعات خرید و فروش اقلام دارویی در سامانه اصالت سنجی تیتک سازمان غذا و دارو پلمب شدند. معاون غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ضمن تأکید بر اهمیت رعایت مقررات و استفاده از سامانه تیتک، گفت: «بر اساس مقررات تمامی داروخانه‌ها می‌بایست اطلاعات خرید و فروش اقلام دارویی خود، اعم از اقلام بیمه‌ای و آزاد را در سامانه اصالت سنجی تیتک ثبت کنند. عدم رعایت این الزامات منجر به پلمب داروخانه‌ها خواهد شد».

دوشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۳ شماره‌گان ۱۶۸۱

دنیایک سوآدار

جمعه

داستان جلد

سیاست‌های فرهنگی و زیست‌محیطی دولت پزشکیان زیر ذره‌بین «دنیای هوادار»؛

صد روز، صد سوال!

ایمان روزبهانی

به نظر می‌رسد که اولویت‌های دولت به مسائلی دیگر اختصاص یافته و سیاست‌های مقابله با آلودگی هوا، به مرحله اجرا نرسیده‌اند.

در دنیای امروز، توسعه انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر، از مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها در راستای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و کاهش اثرات تغییرات اقلیمی محسوب می‌شود. پزشکیان پیش از انتخاب، از برنامه‌هایی برای حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر و تشویق سرمایه‌گذاری در این حوزه سخن گفته بود. با این حال، طی صد روز گذشته، تنها به سخنرانی‌های کلی اکتفا شده و خبری از اقدامات عملی و سرمایه‌گذاری واقعی در این زمینه به گوش نمی‌رسد.

عملکرد فرهنگی: چالش‌ها و اقدامات

در حوزه فرهنگ، پزشکیان با وعده ترویج تنوع فرهنگی و حمایت از اقلیت‌های قومی و زبانی وارد عرصه شد و به نظر می‌رسد که به دنبال سیاست‌های بازتری در این زمینه است. اما با گذشت صد روز، از این وعده‌ها نیز تحقق چندانی مشاهده نمی‌شود. بسیاری از کارشناسان معتقدند که سیاست‌های فرهنگی پزشکیان هنوز در مرحله تدوین قرار دارند و به دلیل پیچیدگی‌های قانونی و اجتماعی، احتمال اجرای آن‌ها در کوتاه‌مدت کم است.

یکی از چالش‌های عمده حوزه فرهنگ در ایران، وضعیت اقتصادی نامساعد هنرمندان و فرهنگ‌سازان است. پزشکیان در وعده‌هایش به بهبود شرایط اقتصادی هنرمندان و حمایت از نویسندگان و فیلم‌سازان اشاره کرده بود. با این حال، طی صد روز نخست، شاهد اقدامات ملموسی از سوی دولت او در این زمینه نبوده‌ایم. هنرمندان و فعالان فرهنگی همچنان از نبود حمایت‌های لازم شکایت دارند و از آن‌ها انتظار می‌رود که در شرایط سخت اقتصادی به فعالیت‌های خود ادامه دهند.

پزشکیان از افرادی بود که در دوران پیش از انتخابات بر ترویج ارزش‌های فرهنگی بومی و ملی تأکید داشت. با این وجود، صد روز نخست او، به جای تمرکز بر این موضوع،

پیش از آغاز دوران ریاست جمهوری مسعود پزشکیان، شعارها و وعده‌های او در دو حوزه حیاتی محیط زیست و فرهنگ، بسیاری را امیدوار به تحولی جدید در این زمینه‌ها کرده بود. پزشکیان با تأکید بر توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی، بویژه منابع آبی کشور، در تلاش بود تا افکار عمومی را به سوی تغییراتی بنیادین جلب کند. همچنین، وعده‌های او در زمینه گسترش آزادی‌های فرهنگی و ترویج هنر و فرهنگ ایرانی در جامعه‌ای که از فشارها و محدودیت‌ها خسته شده، او را به‌عنوان یکی از گزینه‌های محبوب انتخابات معرفی کرد. با گذشت صد روز از آغاز ریاست جمهوری او، نگاهی تحلیلی به عملکرد و تحقق وعده‌های او در این دو محور، می‌تواند به بررسی واقع‌بینانه‌ای از میزان موفقیت وی منجر شود.

عملکرد محیط‌زیستی: دستاوردها و ناکامی‌ها

یکی از اصلی‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی ایران، بحران آب است که به دلیل کاهش منابع آبی و مدیریت ناصحیح در این زمینه تشدید شده است. پزشکیان با وعده ارائه برنامه‌های جامع برای مدیریت منابع آبی، از حمایت قشرهای گسترده‌ای برخوردار شد. اما طی صد روز گذشته، اقدامات ملموسی از سوی او و دولت‌ش در این زمینه مشاهده نشده است. برخی طرح‌ها، همچون سرمایه‌گذاری در مدیریت فاضلاب و بهینه‌سازی مصرف آب در کشاورزی، تنها در حد برنامه‌ریزی باقی مانده و خبری از اجرایی شدن آن‌ها نیست. این در حالی است که برای حل بحران آب، نیاز به اقداماتی فوری و عملی احساس می‌شود.

در کلان‌شهرهایی مانند تهران، آلودگی هوا به سطحی خطرناک رسیده که تأثیرات منفی آن بر سلامت عمومی به خوبی احساس می‌شود. وعده‌های پزشکیان در خصوص کاهش آلودگی هوا، در ابتدا به طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این صد روز، تغییرات قابل توجهی در این حوزه صورت نگرفته است.

«انصاری»: شورای حقوق محیط‌زیست تشکیل شود

با نگاه تخصصی و فنی است و باید با نگاهی جامع، قوانین جدیدی تدوین شوند.

حجت‌الاسلام محمد موحی افزود: محیط زیست یک حق ارثی و نسلی است و همگی در راستای حفظ آن برای نسل‌های آینده وظیفه داریم، یکی از مهم‌ترین حقوق مردم و شهروندان حق داشتن محیط‌زیست سالم است و محیط زیست یکی از ارکان توسعه پایدار محسوب می‌شود.

دادستان کل کشور در ادامه با اشاره به مشکلات سازمان محیط زیست اظهار داشت: دادستانی کل کشور و دستگاه قضا در راستای حمایت از این سازمان و ایجاد تعاملات بیشتر آمادگی لازم را برای کمک به اجرای وظایف قانونی سازمان و مقابله با متجاوزان محیط زیست دارد.

حجت‌الاسلام موحی همچنین به نقش موثر معاونت حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی در زمینه همکاری و کمک به سازمان حفاظت محیط زیست اشاره و تأکید کرد: این معاونت در راستای حفظ حقوق زیست محیطی مردم به مدیریت آقای ترکی تاکنون اقدامات جهادی فراوانی انجام داده است.

زیست، پذیرش قائم مقامی سازمان در تمامی دعاوی محیط‌زیستی حسب تصریح ماده ۱۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست را امری مهم دانست و افزود: حمایت قضایی از مأمورین اجرایی سازمان در موضوعات خاصه از جمله قانون هوای پاک و ایجاد آلودگی خاک و آب در پلمپ واحدهای مختلف با رعایت قانون برای ما بسیار حائز اهمیت است.

معاون رئیس جمهور برگزاری جشنواره آرای سبز و قدرانی از قضات صادر کننده آراء محیط‌زیستی در هفته قوه قضاییه را از جمله تعاملات مهم سازمان و دستگاه قضایی بر خواند و تصریح کرد: کمک دادستانی در خصوص مدیریت پسماند و لزوم ورود دادستان‌ها در این بحث و تقدم اخذ نظر سازمان قبل از اجرای طرح‌های عمرانی که موجب کاهش پرنده‌های ورودی به قوه قضاییه می‌شود از جمله مواردی است که نیازمند همکاری و هماهنگی بیشتر بین دو دستگاه است.

همچنین دادستان کل کشور در این دیدار گفت: یکی از راهکارهای حمایت از محیط زیست اصلاح قوانین موجود

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست با بیان اینکه صدور مجوزهای خلاف قوانین و مقررات محیط زیست در مناطق چهارگانه یکی از مشکلات این سازمان است، پیشنهاد داد تا شورای حفظ حقوق محیط زیست تشکیل شود.

شینا انصاری معاون رئیس جمهور روز گذشته در دیدار با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد موحی دادستان کل کشور با اشاره به توجه ویژه مقام معظم رهبری به مقوله محیط زیست، گفت: لزوم صدور بخشنامه در خصوص تسریع در رسیدگی به پرونده‌های محیط‌زیست و همچنین تسریع و اقدام به موقع در دستور توقیف عملیات اجرایی ساخت و ساز از جمله انتظارات ما از دستگاه قضایی است.

وی همکاری در پیشگیری و جلوگیری از تصرفات نبروهای مسلح در مناطق چهارگانه و همچنین همکاری برای تدوین قانون جامع حفاظت و بهسازی محیط زیست را از این مقام قضایی خواستار شد.

انصاری ضمن قدرانی از حمایت‌های دستگاه قضایی به ویژه دادستانی کل کشور از سازمان حفاظت محیط



برپایی ۶۰ غرفه در دومین نمایشگاه صنعت موسیقی

دومین نمایشگاه صنعت موسیقی در مرکز نمایشگاهی برج میلاد شامل دو سوله نمایشگاهی در فضایی با بیش از ۴ هزار متر و تعداد ۶۰ عدد غرفه برگزار می‌شود. شرکت‌کنندگان در این نمایشگاه متشکل از انجمن‌ها و آموزشگاه‌های موسیقی، انتشارات در حوزه موسیقی، کنسرواتوار، تولیدکنندگان، واردکنندگان و فروشگاه‌های سازهای سنتی بومی ایرانی، سازهای بومی خارجی، سازهای مدرن، سازهای کوبه‌ای، بادی، زهی و... هستند. همچنین تولیدکنندگان و فروشگاه‌های اکسسوری، کیف‌های حمل، میزهای دیجی، کوک ساز، نگهدارنده و پایه‌های ساز و... و تولیدکنندگان پوست و چرم مخصوص ساخت سازها و مصنوعات چرمی حمل ساز، سیستم صوتی، دیجی، اسپیکر، استودیوی صدا، تجهیزات صدابرداری، هنگ درام، کالیмба، چنگ رومی، و... ساز آرامش، پراکاشن، کاخن، گیتار، پیانو، دف، تمپک، تار، سه تار، عود، کمانچه، قانون، باقلاما و... از جمله حاضران در این نمایشگاه هستند.

یکشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۳ شماره ۱۶۸۰

دنیایکسوادار

فرهنگ

دست‌به‌نقد

نگرشی بر ورژن زنانه «شرلوک هولمز» در سینما

وقتی کفگیر ته‌دیگ را می‌خراشد!



را بالانس کند و با جذابیت‌ظاهری و اکت خوب «میبلی بابی براون» روی این پرسوناژ نپخته و فاقد عمق سرپوش بگذارد. فیلمساز حتی در ساختن این زنانگی هم ناتوان است؛ تا جایی که حتی با شمایی تک‌بعدی و تک‌ساحتی به زنانگی اهانت می‌کند چرا که به‌واقع نگاه فیلم از به زن از ریشه نادرست و سطحی است، نشان به آن نشانی که کارگردان به شکلی کاملاً تیپیکال گونه و کاریکاتوری، شرایط برابری و فمینیستی را می‌سازد و پرداخت می‌کند. مگر برابری و پهلو زدن زنانگی به مردانگی صرفاً در یادگیری مهارت‌های رزمی خلاصه می‌شود؟

کارگردان تنها به شلنگ‌تخته‌انداختن‌های انولا بسنده می‌کند و هر بار برای اینکه مخاطب فراموش نکند تمام این حوادث برای چیست، از طریق پسرک روزنامه‌فروش یا دیالوگ‌های کوتاه و تک‌خطی یادمان می‌اندازد که فلان روز قرار است در مجلس اعیان رأی‌گیری شود، فیلم مباحث بی‌ربط را بدون ذره‌ای پرداخت و ایجاد جایگاه متنی در راستای داستان در داستان می‌چپاند تا بگوید اثر مضامین دیگری را هم شامل می‌شود، از این همین رویکرد عیان می‌شود که پلات در این فیلم وجهه‌های منفعل است و تمام مضامین بر آن حقنه و تحمیل شده‌اند و هیچ‌کدام به‌واسطه‌ی پلات روایت نمی‌شوند در این راستا روایت سیاسی-اجتماعی و مضامین فمینیستی اثر کاملاً گنگ و سطحی بروز پیدا می‌کنند و ابدا پرداختی روی آن‌ها به نسبت داستان اثر نمی‌شود.

فضا و زمان که تا این حد روی آن در اثر تاکید شده عملاً بی‌جان و فاقد کنش و کارکرد است، ما نه به‌معنای واقعی کلمه زمان را به نسبت اثر درک می‌کنیم و نه مکان را. به‌عنوان یک ماکت بی‌حس و صرف تکنیکال با زیبایی‌شناسی سطحی از خلق فضا و مکان مواجهه هستیم؛ اینچنین سطحی و کارت‌پستالی!

فیلم در وهله‌ی اول جز طراحی لباس، هیچ تصویر و پرداخت متنی و دراماتیکی از بستر زیستی و فرهنگ بریتانیایی ارائه نداده و این عنصر تماماً منفعل و بی‌وجود است، فاقد بار دراماتیک و کاملاً کنسنتی و تحمیل شده، هویت این فضا به‌نسبت زیست شخصیت‌ها در کجا آشکار می‌شود؟ به راستی اگر زمان اثر قرن بیست و یکم یا بیستم بود چه تفاوتی در اثر ایجاد می‌شد؟ مشخص است در آن صورت فیلمساز نمی‌توانست رویکرد و غایت زیبایی‌شناختی و جذابی را که در سیر روایت دراماتیک و داستانی‌اش نهادینه نکرده را با رنگ و لعاب و تازگی زمان و مکان توجیه کند؛ یا قرین رویکرد کلی‌اش در اینجا هم دست به‌دامن مغالطه برای جذاب مخاطب می‌شد تا با این فضای دکوراتیو و بی‌هویت دست‌کم کوچک مجالی را برای قابل‌تحمیل کردن اثرش فراهم کند. اما چه فایده که این عنصر هم فاقد جان و کنش است و به‌تدریج مخاطب را نیز به ورطه‌ی تکرار و ملال‌زدگی می‌اندازد.

فیلمساز، شخصیت‌های فرعی را به‌عنوان محرکه‌های پیشبرد درام و عناصر تاثیرگذار در حل معما تعریف کرده و کلید حل معما و بازکردن قفل‌های داستانی را به‌دست آن‌ها می‌دهد، اما معضل دقیقاً در جایی است که به آنان محوریت و پرداختی در همین جایگاه نمی‌دهد تا خلق ملموس و متناسب با بستر ژانری در راستای حل آن معماها و گره‌گشایی در پیوند با کنش‌ها و پرسوناژها داشته باشیم و از این آمیزش و تلاقی سهل‌انگانه‌ی خطوط داستانی به‌هیچ‌گونه‌اطلاعات و خلق پیچیدگی‌ای متناسب با موقعیت و پوسته‌ی کنش‌های شخصیت‌ها ایجاد نمی‌شود تا اصطلاحاً به‌نسبت وجودیت آن‌ها در روایت اثر با رویکردی عمیق طرح مسئله‌ای صورت بگیرد تا بر مبنای آن رویکرد عمیق و جذابی را در راستای حل مسئله داشته باشیم؛ چرا که این اثر پلات متمرکز و محوریت روایی‌ای ندارد که بخواد در پرتوی آن برای مخاطب مسئله‌سازی کند، پس چگونه می‌توان اثری که ریشه و شاکله‌اش بر عدم عمق گذاشته شده رویکرد و خروجی عمیقی را پوشش دهد؟ فیلم آن‌قدر به حاشیه رفته و غرق فریعات

بهانه‌ی سانتی‌مانتال آغاز شده و از همان ابتدا شاکله و مکانیزم روایی‌اش را بر محوریت یک موضوع سطحی، فکرنشده و پرداختی سطحی‌تر و فاقد علیت پایه‌گذاری می‌کند.

فیلمساز یک بک‌گراند نسبی و تماماً ضعیف و فاقد عمق از رابطه‌ی مادر و دختری می‌دهد و در سطحی‌ترین حالت ممکن آن را پرداخت می‌کند، نه کنش مسئله‌سازی به وجود می‌آورد و نه شیمی پرسوناژی شکل می‌دهد، حتی تقابل و تعاملی را هم به‌واسطه‌ی میزانشن، دکویژ و موقعیت‌سازی القا نمی‌کند؛ در نهایت این امر فیلم از ساخت هرگونه مناسبت حسی و تعلق خاطری در ساحت تصویر باز می‌ماند و مخاطب نمی‌تواند به‌واسطه‌ی آن‌ها با شخصیت‌ها همراه بشود و موقعیت آن‌ها برایش مسئله‌ای ایجاد نمی‌کند تا از این حیث درامی زاده شود و مخاطب نخ روایت دراماتیک آن را بگیرد و با مکانیزم پلات اثر پیش برود.

در ادامه، فیلمساز شخصیت‌های مادر که ساخته، پرداخته و شناخته‌نشده است را از اثر حذف می‌کند؛ درحالی که هیچ‌گونه اطلاعات یا کنش منطقی‌ای در راستای فعلیت و هویت او ایجاد نکرده است. گویی از همان ابتدا بدون رویکرد و پرداخت عمیق و در جایگاه بهانه‌ای دم‌دستی برای شروع داستانش این موقعیت را ایجاد می‌کند، به‌عبارتی فیلمساز این عنصر را در جایگاه محرکه‌ی درام قرار می‌دهد اما هیچ‌گونه پرداخت دراماتیک و عمیقی برای این محرکه که زمینه‌ساز یک روایت علیتی شود را شکل نمی‌دهد؛ پس از همین ابتدای کار روایت داستانی فاقد کنش، هویت، و علت و معلول است. این امر موجب آن می‌شود که در همین ابتدای کار همراهی مخاطب با اختلال مواجهه شده و نتواند کوچک‌ترین سنخیت و درکی از روایت داستانی، مناسبت‌ها و انگیزه‌های شخصیت‌ها پیدا کند.

نهایتاً دخترک فلک‌زده بیچاره قرن نوزدهمی که مورد سلطه‌ی برادران زن‌ستیزش است می‌خواهد شارلاتان‌بازی درآورد و مادر گم‌گشته‌اش را پیدا کند، او فرار می‌کند و مصائب و دشواری‌هایی را در راستای یافتن مادرش متحمل می‌شود اما به‌طور ناگهانی فیلمساز مسیر روایی را در اوج سهل‌انگاری که بپراخه بسطی می‌کند و مسئله‌ی مادر که از ابتدا قوام سیستم روایی متنی‌اش را بر مبنای آن چیده فراموش می‌کند تا به مسائل دیگر بپردازد. پس باری دیگر بیش از پیش بهانه‌تراشی برای پیشبرد داستان و وارد کردن این پرسوناژ زنانه به جهان مردانه در جایگاه یک مانیفست غیرسینمایی با این شکل از پرداخت فرامتنی که برآمده از دغدغه و نگاهی فرامتنی است، آشکار می‌شود.

فیلمی که تا این حد روی هوا سیر می‌کند و به این میزان بی‌وجود است را چگونه می‌توان به‌عنوان یک اثر سینمایی پذیرفت؟ اثر از شکل‌دهی یک منطق روایی واحد عاجز است تا بر مبنای آن یک جهان متنی بسازد و پیروی آن پرداختی را شکل دهد تا بر مبنای آن درامی زاده شود و شخصیت‌هایش را حائز هویت کند.

این فیلم اساساً شخصیت ندارد اما بر آن است تا کاریکاتورهای سیاسی شعاری لوده‌ای را به‌عنوان شخصیت قالب کند، کارکترها در این اثر حیران و سرگردانند، همانقدر که لحن و روایت اثر گم و سرگردان است؛ مشخص نیست فیلم درباره‌ی چیست! نقدی به سیاست‌های آن برهه است؟ نکوهشی بر نگاه مرد سالار قرن نوزدهم است؟ یا ماجراجویی‌های یک دختر کنجکاو را روایت می‌کند؟ در کمال شلختگی و درهم‌برهم بودن از این سوز به آن سوز نوک می‌زند و کنش‌های کاراکترهایش را هم تحت سیطره‌ی این شلختگی قرار می‌دهد و سرانجام به یک گیجی و بی‌هویتی می‌رساند، چرا که در خلل این شلختگی‌ها و بی‌نظمی سیر روایی اثر، گویی خود فیلمساز هم گیج شده و دست به دامان سانتی‌مانتالیسم و زرق و برق کاذب می‌شود. مقطع سنی دختر، چالش‌های بلوغ و شرایطی که دختر بچه می‌خواهد خودش را در آن اثبات کند، همگی پتانسیل زایش درام دارند، پتانسیل رویکردی علیت‌شناختی و عمیق دارند اما فیلم صرفاً قصد دارد به آن زرق و برق نمایشی بدهد و با شعارهای سطحی آن

بهنام کیوان

«انولا هولمز» را ابدا نمی‌توان اثری سینمایی دانست؛ چرا که در بهترین حالت یک بیانیه و مانیفستی خام است که دامنه‌ی ایدئولوژی‌زدگی و سیاست‌زدگی فرامتنی سال‌های اخیر سینمای جریان اصلی جهان را به‌ساحت تقسیم‌بندی ژانر و شاکله‌های داستانی با پیشینه و شناخته‌شده کشیده است.

پیدا است که سینمای بدنه از «شرلوک» خسته شده و گویا دیگر قرار نیست خلاقیت و نوآوری را در جایگاه پرداخت زوایای مختلف این شخصیت و پیشبرد این پرسوناژ در پلاتی در راستای حل یک پرونده جنایی جذاب ببینیم. از طرفی «شرلوک هولمز» شمایل پولساز و پرپیننده‌ای است، پس چرا باید از آن صرف‌نظر شود؟ پس چه چیز ذهن‌پرکن‌تر از آن که با رویکردی ایدئولوژیکی و مضمون‌زده شخصیت زنی را وارد قوام و کلیت این روایت مردانه کنیم تا هم برابری جنسیتی را شکل بدهد و هم با پر و بال دادن به بازیگران رنگین‌پوست، سیاست‌های تبعیض‌نازادی را در یک داستان جنایی با پیشینه محکوم کنیم!

وقتی گفته‌ی «ژان لوک گدار» مبنی بر مرگ سینما را شنیدم او را نکوهش کرده و به حرفتی محکوم کردم؛ اما در چنین روزهایی با دیدن «انولا هولمز» حس می‌کنم گفته‌ی گدار بار معنایی و کارکردش را لحظه به لحظه آشکارتر می‌کند، جایی که در سینمای بدنه دغدغه‌ی سینما، فرم سینمایی-هنری و روایت سینمایی-داستانی رفته‌رفته به زوال دوران شکوهمندش نزدیک می‌شود و مرض سیاست‌گذاری‌های ایدئولوژیکی جشنواره‌ها در تمامی کمپانی‌های فیلمسازی و شبکه‌ها ریشه دوانده تا شاهد رویکردهای خام و غیرسینمایی، بی‌هویتی و در یک کلام سفارشی و بیانیه‌ای بودن در آثار سینمایی امروز باشیم. زمانی که سینما آنچنان در مسیر تباہی پیش‌روی کند و «پرداخت» از یاد برود، تئوری مرگ سینما بیش از پیش وجودیت خویش را آشکار می‌سازد.

در «انولا هولمز» شاهد اجرا شدن سطحی‌ترین لایه‌های ایده و در امتداد آن سطحی‌ترین و غیرسینمایی‌ترین پرداخت ممکن از سوی فیلمساز هستیم؛ این مشخصه‌ها، بیش از هر چیزی نمایانگر رسیدن کف‌گیر ایده‌های فیلمسازی بدنه به ته‌دیگ و چنگ زدن به ریسمان مضمون‌زدگی و جولان دادن با مباحث ایدئولوژیکی روز در جهت خلق یک غایت سانتی‌مانتالیسم برای جذب مخاطب است؛ ولو اینکه هیچ‌گونه کارکردی یا هویتی در سیر روایت داستانی و جهان متنی اثر داده نشود که در این اثر نمی‌شود.

فیلم از ابتدای پلات داستانی خودش مرام آثار کلاسیک و شاکله‌ی روایی داستان نویسنده و فرمالیستی را زیر سوال برده و به مخاطب پوزخند می‌زند. داستان، نه با یک محرکه‌ی دراماتیک، بلکه با یک

کارکتر شرلوک با بازی هنری کوپل دقیقاً

خاصیتی دارد؟ قرار است نماد خوی

سرکوب‌کننده‌ی مردان قرن ۱۹ باشد؟

پس چه دلیل بود که از اسم شرلوک

هولمز در این راستا استفاده شود آن

هم زمانی که هیچ کنش شاخصی در

راستای حل این معما ندارد به جز اشغال

کلوزآپ‌ها و کلوزشات‌ها و رونمایی از

وقار و زیبایی‌اش در نماهای آی-لول؟

می‌شود که در اصالت روایی و داستانی خویش و وجوه اصلی‌اش دچار لکنت شده است.

برای مثال، کارکتر شرلوک با بازی هنری کوپل دقیقاً خاصیتی دارد؟ قرار است نماد خوی سرکوب‌کننده‌ی مردان قرن ۱۹ باشد؟ پس چه دلیل بود که از اسم شرلوک هولمز در این راستا استفاده شود آن هم زمانی که هیچ کنش شاخصی در راستای حل این معما ندارد به جز اشغال کلوزآپ‌ها و کلوزشات‌ها و رونمایی از وقار و زیبایی‌اش در نماهای آی-لول؟ قرار بر این است که لحن اثر با کنش‌های مضحک این شخصیت بالانس بشود و شمایل حقیری در رقابت با خواهرش پیدا کند؟ ریشه‌ی دراماتیک جایگاه کنش‌ها و فعلیت‌های او در اثر چیست؟ کارکرد داستانی او کجاست؟ فیلمساز یک کارکتر با پیشینه را هجو می‌کند تا به یک کارکتر دیگر منزلت بدهد؟

«انولا هولمز» در همین فریعات ایدئولوژیکی خویش نیز ناموفق است؛ آشکارا دچار تناقض و سست‌عنصری در سیر پرداخت می‌شود، لحنی در کلیت تعریف نمی‌کند و تمام شخصیت‌هایش را بر مبنای این لحن قوام نمی‌دهد و پردازش نمی‌کند؛ اما در رابطه با لحن برای یکی از شخصیت‌های محوری و شاخص اثر که شرلوک هولمز است، استثناً قائل می‌شود تا او را احق جلوه بدهد و شمایلش را کاریکاتوریزه کند.

در حالی که فیلمساز با تردید در اجتماع و نمایش سرکوب زنان توسط مردان و محکوم کردن کنش‌های او برادر نسبت به خواهرشان خواهان ایجاد شاخصه‌های برابری است، از سویی دیگر روایت‌فیلم کاملاً شاخصه‌ی نابرابری را داراست و حائز موضع و سنگینی دادن زنانگی به مردانگی است، این تناقضی فاحش بین فرم و مضمون اثر است که به‌خام‌دستانه‌ترین و صریح‌ترین شکل ممکن موضع‌گیری ایدئولوژیکی و نقطه‌نظر تحمیلی و سهلی اثر را شامل می‌شود، فیلمی که در آن نقطه‌نظر داستانی جایش را به نقطه‌نظر فیلمساز می‌دهد و زمینه‌ی غایت حسی و ادراکی مدیوم را جایگزین یک غایت تحمیلی و شعاری می‌کند تا تمام کارکرد پلات و روایت داستانی هم در این وهله ابطال شوند.

در آخر با تکیه به تمام زوایای این اثر و رویکرد شعاری و خام دست‌انداش، به‌عزم‌نگارنده، انولا هولمز فیلم مرده‌ای است، فیلمی که نه شاخصه‌های یک اثر سینمایی را داراست و نه ذره‌ای جذابیت و انتظار روایی ایجاد می‌کند و نه قدری درام القا می‌کند و کنش و درگیری حسی شکل می‌دهد. در بهترین حالت یک رونوشت تکنیکال زده و فاقد حس از شعارهای سیاسی، نژادپرستی و فمینیستی است که تصویری شده و شاید بشود آن را به‌عنوان بیانیه‌ای در راستای ایجاد ورود پرسوناژهای زنانه به ساحت داستان‌های پرمخاطب بدنه دانست؛ هر چند که این فیلم حتی زنانگی را هم نمی‌سازد و به آن اهانت می‌کند، زیرا که به‌جای آن ترجیح داده میزانشن را در راستای معاشقه با فضای کارت‌پستالی، روزنامه‌های خیابانی و اشغال تصاویر با استایل معرب‌کننده «هنری کوپل» پایه‌گذاری کند...

«مصطفی سالاری» -مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی- در حکمی محمد رضا سعیدی را به عنوان سرپرست شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) منصوب کرد. مصطفی سالاری در این حکم خطاب به سعیدی تصریح کرده است: نظر به تخصص، تعهد و تجارب جنابعالی و در راستای استمرار امور شرکت تا طی شدن تشریفات معمول صدور حکم قطعی به موجب این حکم به عنوان سرپرست شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی منصوب می‌شود. امید است با اتکال به خداوند متعال، رعایت جوانب شرعی، سوگندنامه کارگزاران دولت وفاق ملی و اساسنامه سازمان و شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی، در پیشبرد امور و انجام وظایف محوله اهتمام لازم معمول نمایید.



دیدگاه



موهبتی که بلای جان اقتصاد ایران شد!

زیر سایه نفت؛ تاکی؟

مجتبی عاشوری

هزینه‌ها است. هزینه‌های بالای دولتی که به صورت سالانه افزایش می‌یابند، در حالی که منابع درآمدی محدود و عمدتاً وابسته به نفت هستند، باعث می‌شوند که دولت همواره با کسری بودجه مواجه شود. این کسری به نوبه خود، بار مالی بر دوش جامعه می‌گذارد و پیامدهایی همچون افزایش بدهی‌های عمومی، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و کاهش اعتماد عمومی به اقتصاد را در پی دارد.

راه‌حل‌ها؛ از تئوری تا عمل

در طول سال‌ها، دولت‌ها برنامه‌ها و راه‌حل‌های مختلفی را برای کاهش وابستگی به نفت و کاهش ناترازی بودجه ارائه کرده‌اند، اما بسیاری از این برنامه‌ها به دلایل مختلف ناکام مانده‌اند. یکی از مهم‌ترین این راه‌حل‌ها، ایجاد و توسعه صنایع غیرنفتی و افزایش صادرات غیرنفتی است. همچنین، اصلاحات مالیاتی به منظور افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش اتکال به درآمدهای نفتی از دیگر راهکارهای پیشنهادی است. اما اجرای این سیاست‌ها نیازمند تعهد و اراده قوی از سوی مسئولان و پذیرش تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی کشور است.

به بازارهای جهانی، بارها نشان داده‌اند که اقتصاد ایران نمی‌تواند به تنهایی بر نفت تکیه کند. اما متأسفانه دولت‌ها، به جای روی آوردن به اصلاحات ساختاری و تنوع‌بخشی به اقتصاد، همچنان از نفت به عنوان منبع اصلی تأمین بودجه استفاده کرده‌اند.

وابستگی به نفت؛ نشانه‌ای از بیماری اقتصادی

این وابستگی به نفت، صرفاً یک مسئله مالی نیست بلکه نشان‌دهنده عمق و گستردگی مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران است. هنگامی که درآمدهای نفتی دولت به طور ناگهانی کاهش می‌یابد، دولت برای تأمین هزینه‌های جاری، به استقراض داخلی یا چاپ پول روی می‌آورد که نتیجه‌ای جز تورم و کاهش ارزش پول ملی ندارد. این نوع وابستگی اقتصادی، نه تنها باعث ناپایداری اقتصادی می‌شود، بلکه سیاست‌های مالی و اقتصادی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

عدم توازن میان درآمدها و هزینه‌ها

ناترازی در بودجه دولت عمدتاً ناشی از عدم توازن میان درآمدها و

در اقتصاد ایران، چالش‌های مربوط به ناترازی بودجه دولت و وابستگی بیش از حد به درآمدهای نفتی، موضوعی است که سال‌ها به عنوان یکی از اساسی‌ترین و مزمن‌ترین معضلات شناخته شده است. این وابستگی از یک سو، اقتصاد کشور را در مقابل نوسانات جهانی آسیب‌پذیر کرده و از سوی دیگر، انگیزه‌های لازم برای اصلاحات ساختاری و تنوع‌بخشی به منابع درآمدی را کمزنگ کرده است. اما آیا راهی برای خروج از این چرخه معیوب وجود دارد؟ و آیا می‌توان با رویکردی بلندمدت و پایدار، وابستگی اقتصاد به نفت را کاهش داد؟

نفت؛ شمشیر دو لبه

نفت برای ایران همواره مانند شمشیری دولبه عمل کرده است: از سویی منبع اصلی درآمد بوده و از سوی دیگر، به عنوان مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی پایدار. در سال‌های اخیر، نوسانات شدید قیمت جهانی نفت، تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های دسترسی

آینده اقتصاد بدون نفت

برای آنکه اقتصاد ایران از وابستگی به نفت رهایی یابد، باید نگاه به نفت به عنوان یک منبع کمکی و نه اصلی داشته باشیم. این تغییر نگرش، مستلزم سیاست‌گذاری هوشمندانه، اصلاح ساختار اقتصادی، و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای پایدار است. کشورهایی مانند نروژ و عربستان سعودی توانسته‌اند با اصلاح ساختارهای اقتصادی و بهره‌برداری هوشمندانه از درآمدهای نفتی، به اقتصادی متنوع و پایدار دست یابند. آیا ایران نیز می‌تواند با استفاده از این الگوها، اقتصاد خود را از تله وابستگی به نفت آزاد کند؟

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۳۱۶۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد مردبختی بشناسنامه شماره ۱۲۰ صادره از تهران فرزند فریدون در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۲/۲۲ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۴۵۴ فرعی از ۱۴۴ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقایان شاپور مکنونی و سید احمد هاشمی و با مالکیت مالک خانم هاجر فاطمی اردکانی تایید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۰۹۴۷۴ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۳۱۹۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد رسولی بشناسنامه شماره ۵۶۴ صادره از زنجان فرزند رسول در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۶۶/۹۵ مترمربع مفروز از قطعه ۱۴ تفکیکی از پلاک شماره ۶۴۹ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای عیدی محمد اصلانی و با مالکیت مالک اولیه آقای نصراله مرادی تایید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۰۹۴۷۴ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۱۰۵۷۰۰۲۳۲۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد شوندی فرزند حیدرعلی بشناسنامه شماره ۳۱۱۳ صادره از آوج در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۴۵ مترمربع پلاک فرعی از اصلی مفروز و مجزی شد از پلاک ۲ فرعی از ۱۰ اصلی واقع در کرج - ماهدشت - ورودی رشته - جنب اورژانس ۱۱۵ خریداری از مالک رسمی آقای ابوالفضل صالحی و رجبعلی کامیاب محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۱۳۲۹۸ تاریخ انتشار نوبت اول: ۶ آبان ۱۴۰۳ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

آگهی مزایده اجاره شماره ۵۰۰۳۰۰۳۸۳۳۰۰۰۰۰۲ (نوبت اول)

اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان البرز در نظر دارد اجاره یک باب ساختمان تجاری (مغازه) واقع در شهرستان ساوجبلاغ (هشتگرد) را از طریق مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده، با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) و با شماره مزایده ۵۰۰۳۰۰۳۸۳۳۰۰۰۰۰۲ به صورت الکترونیکی واگذار نماید.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴ مهلت دریافت اسناد مزایده: تا ۱۴۰۳/۰۸/۲۹ ساعت ۱۸ تاریخ بازدید: از ۱۴۰۳/۰۸/۳۰ تا ۱۴۰۳/۰۸/۳۰ مهلت ارسال پیشنهاد: تا ۱۴۰۳/۰۹/۱۲ ساعت ۱۲ تاریخ بازگشایی: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳ تاریخ اعلام به برنده: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴ شرایط عمومی و توضیحات برگزاری مزایده دستگاه اجرایی ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی است:

۱. برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده‌گران محترم از این طریق امکان‌پذیر می‌باشد.
۲. کلیه اطلاعات موارد اجاره شامل مشخصات، شرایط و نحوه اجاره در برد اعلان عمومی سامانه مزایده، قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می‌باشد.
۳. علاقمندان به شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره‌های ذیل تماس حاصل نمایند: مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه ۱۴۵۶ اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت نام/پروفرهای مزایده‌گر» موجود است. ۱۸۲۳۲۴۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۳ آبان ۱۴۰۳



مایکل جردن: از ترامپ حمایت نکردم

اسطوره بسکتبال جهان هرگونه فعالیت سیاسی اش به سود دونالد ترامپ را تکذیب کرد. در حالی که در روزهای گذشته و قبل از انجام انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، خبرهایی مبنی بر حمایت مایکل جردن، اسطوره بسکتبال جهان و آمریکا، از دونالد ترامپ رسانه‌ای شده بود، این فوق ستاره چنین چیزی را تکذیب کرد. مایکل جردن، از بزرگترین بسکتبالیست‌ها و ورزشکاران تاریخ جهان، درباره توثیقی که با مضمون «من حمایت خودم از دونالد ترامپ را اعلام می‌کنم» در رسانه ایکس منتشر شده بود، گفت: هرگز چنین چیزی را نگفتم و حتی به آن فکر هم نکرده‌ام. من حامی هیچ ایده یا حزبی نیستم و همواره به دور از سیاست خواهم بود.

ورزشی

دنیای هوادار

دوشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۳ شماره ۱۶۸۱

خارج از گود

حواشی فوتبال ایران و جهان زیر ذره‌بین «دنیای هوادار»

دوران تازه؛ تراکتور مدعی جدید قهرمانی؟

حسن صنعانی پور



اقتصاد حرف اول را در تمام مسائل و موضوعات جامعه از جمله فوتبال می‌زند. البته باید قبل از داشتن اقتصاد قوی، فرهنگی تاثیرگذار و مدیریتی قدرتمند داشت؛ زیرا این فرهنگ و مدیریت کارآمد است که به مقوله مهمی چون اقتصاد کمک می‌کند تا در مسیر درست حرکت نماید. به همین علت باید اعتراف کرد؛ تغییرات مدیریتی که در فوتبال ایران با حجم بالا و سرعتی باور نکردنی اتفاق افتاده و خواهد افتاد، کمترین تاثیر را در پیشبرد اهداف و پیشرفت اوضاع این رشته در ایران داشته است. «البته اگر برنامه و هدفی تدوین و ترسیم شده باشد!» آنچه از اوضاع و احوال فوتبال ایران مشخص و معین است، جنگ هفتاد و دو ملتی است که اصل و اساس فوتبال را بدرستی درک نکرده‌اند. در ادامه نگاهی به اخبار و حواشی فوتبال ایران و جهان در روزهای اخیر خواهیم انداخت:

دوران تراکتور

تراکتوری‌ها مدعی شده‌اند؛ دوران پرسپولیس و استقلال گذشته و حالا دوران شکوفایی و کسب افتخارات تراکتور فرا رسیده است. اگر به فوتبال به عنوان یک صنعت نگاه کنیم باید منتظر تبدیل شدن باشگاه‌هایی چون تراکتور و سپاهان به مجموعه‌هایی توانا و مقرون به موفقیت باشیم. در حقیقت این دو باشگاه تنها باشگاه‌های هستند که می‌شود آنان را در تعریف استاندارد باشگاه‌داری، به عنوان باشگاه بشناسیم. «البته چند باشگاه دیگر همچون ذوب‌آهن اصفهان و فولاد خوزستان هم در شرایط مناسبی از این تعریف قرار دارند»، اما تراکتوری‌ها که بخاطر نتایج چند هفته پیش در پوست خود نمی‌کنجند، باید به چند نکته ظریف نیز توجه نمایند تا به قول خودشان دوران یکه‌تازی آنان در فوتبال ایران آغاز و تداوم یابد؛ ابتدا اینکه مدیریت خود را از حالت تک محوری بیرون آورده و تبدیل به یک بنگاه اقتصادی سودآور شوند. دوم اینکه در خصوص فوتبال پایه با ایجاد پایگاه‌های استانی، گستره فعالیت خود را از آذربایجان به تمام ایران افزایش بدهند. و سوم اینکه فریب نتایج مقطعی را نخورده و با روی آوردن به ثبات و دقت در جذب ستاره‌ها، شخصیت قهرمانی را در خود تقویت کنند.

بازی‌های معوقه

سه بازی معوقه هفته چهارم و هفته هشتم لیگ برتر فوتبال ایران عصر شنبه برگزار شد. در این دیدارها سرخابی‌ها با نتیجه مشابه یک بر صفر از سد گل‌گهر سیرجان و مس رفسنجان گذشتند. سپاهان اصفهان که تا دقایق پایانی از نساجی مازندران شکست خورده بود موفق شد بازی را به تساوی بکشد. در این شرایط سپاهان با ۱۰ بازی در صدر ایستاد، پرسپولیس با یک بازی کمتر مقام دوم را به خود اختصاص داده و استقلال نیز بعد از چند هفته ناکامی سه امتیاز حیاتی را بدست آورد و خود تا جایگاه دهم بالا کشید. این درحالی است که اگر دو تیم تراکتور تبریز و پرسپولیس تهران بازی‌های معوقه هفته هشتم مقابل ملوان بندرانزلی و گلگهر سیرجان را با پیروزی پشت سر بگذارند به صدر جدول صعود خواهند کرد.

صالح در اینتر

با اعلام رسمی باشگاه اینترمیلان، مجید صالح مربی

نصف جهان

در دیدار معوقه هفته هشتم لیگ برتر چه گذشت؟

باران کارت زرد و قرمز

در فولادشهر!

اصغر قلندری

دیدار پر افت و خیز و پر برخورد دو تیم فولاد مبارکه سپاهان و نساجی مازندران از هفته هشتم لیگ برتر فوتبال کشور، رکورددار کارت‌های زرد و قرمز در مسابقات لیگ برتر بود.

تیم‌های سپاهان و نساجی مازندران در دیدار معوقه هفته هشتم لیگ برتر، از ساعت ۱۸ روز شنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۳ در ورزشگاه فولادشهر و با سوت وحید زمانی، داور وسط، به مصاف هم رفتند و در نهایت به تساوی یک بر یک رضایت دادند.

صرفنظر از نتیجه، شاهد یک فوتبال جنجالی و فاقد تکنیک و تاکتیک و دور از شأن نام سپاهان بودیم.

سپاهان در چارچوب دیدار معوقه هفته هشتم لیگ برتر در فولادشهر میزبان تیم جنگنده و سخت‌کوش نساجی مازندران بود. شاگردان آلمیدا در نیمه نخست موقعیت‌های خوبی برای گلزنی داشتند، اما ضربات نهایی را با بی‌دقتی از دست دادند. شاگردان الهامی در دقیقه ۲۷ توسط مرصاد یوسفی و با ضربه‌ای از پشت محوطه جریمه به گل رسیدند و با دفاعی عالی و درخشش دروازه‌بان جوان خود تا دقایق پایانی این گل را حفظ کردند، اما در دقیقه ۹۰+۲ توبی که از نقطه کرنر ارسال شده بود با ضربه سر استیون انزونی بازی پر برخورد را به تساوی کشاند تا این دیدار با تساوی یک بر یک پایان یابد. اگرچه سپاهان با کسب ۲۱ امتیاز در صدر جدول رده‌بندی لیگ برتر فوتبال قرار دارد، اما نارضایتی هواداران از شرایط پس از جدایی ژوزه مورایس، سرمربی پرتغالی سپاهان، با نتیجه این بازی خانگی افزایش یافته است!

دیداری که کارت قرمز برای صداقت، مربی نساجی، داشت و باران کارت زرد را برای کاپیتان، بازیکنان و حتی دروازه‌بان به همراه داشت. آقای زمانی، داور این دیدار، به احتمال زیاد با این تعداد کارت رکورد تازه‌ای در لیگ برتر بر جای گذاشت!

تنها چیزی که در این مسابقه دیده نمی‌شد، یک بازی فوتبالی دلنشین و جذاب بود که در مقطعی به میدان جنگ بدل شده بود! خبر جالب اینکه شنیده می‌شود هوگو آلمیدا، سرمربی موقت سپاهان، نیز پس از این بازی، اصفهان را ترک کرده است. او در پایان مسابقه با حضور درختکن با بازیکنان خداحافظی کرد و پایان کار خود در این باشگاه را اعلام نمود؛ براسستی، فوتبال ما با این روند و اتفاقات ناخوشایند به کجا می‌رود؟

اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد این است که امروزه فوتبال بی‌سامان ما علاوه بر غیر اخلاقی و بی‌کیفیت شدن، به یک ورزش آزادهننده و اعصاب‌خردکن بدل شده است. در این شرایط ناخوشایند، هواداران و تماشاگران به عنوان ایزاری در دست برخی افراد خاص قرار گرفته‌اند و از حضور در ورزشگاه و تماشای این گونه مسابقات لذت نمی‌برند و نمایش دلپذیری نمی‌بینند.

سوال از مسئولان این است که آیا کیفیت مسابقات از نسبت به سال‌های گذشته بالا برده‌ایم تا انگیزه‌ای برای حضور هواداران در ورزشگاه‌ها و تماشای بازی‌های بی‌کیفیت بازیکنان میلیاردری باقی مانده باشد؟ خالی ماندن سکوها و عدم استقبال هواداران همیشگی سپاهان پیام ویژه‌ای برای مسئولان دارد و زنگ خطر است برای مربیان و بازیکنان که به وظایف خود در قبال پولی که می‌گیرند عمل نمی‌کنند. عقلانی نیست که از هواداران انتظار داشته باشیم با چنین شرایطی در سرما و گرما و در روزهای سخت حامی تیم خود باشند. برای رهایی از این وضعیت، بهتر است مدیران باشگاه سپاهان هرچه زودتر با احساس خطر به فکر چاره باشند و فردی که مورد اعتماد همگان و متعصب به تیم سپاهان باشد را به عنوان سرمربی انتخاب کنند و به این غائله خاتمه دهند تا با بالا بردن کیفیت بازی‌ها تنور مسابقات را با حضور هواداران گرم کنند. قابل ذکر است که ۸ کارت زرد و یک کارت قرمز (به مربی تیم نساجی) به دلیل ضعف داوری و توقف‌های مکرر این دیدار، با اعتراض تماشاگران همراه شد و از کیفیت بازی کاست.



پیتسو با این چالش‌ها روبه‌رو شده است. فکر می‌کردم او می‌تواند سریع اوضاع را تغییر دهد. اما این نیز بستگی به شرایط خاص بازی‌هایی دارد که انجام داده‌اند». اظهارنظر دستیار کی‌روش درباره موسمیانه نشان از این واقعیت دارد که سرمربی استقلال کار سختی برای بازگرداندن آبی‌پوشان داشته اما این مربی خوشنام توانایی این کار را خواهد داشت.

نیکبخت و یک داستان قدیمی

در بین بازیکنان مشترک سرخابی‌ها که به یاغی معروف هستند، علیرضا نیکبخت واحدی شرایط منحصر به فردی دارد. نیکبخت در حالی از رفتن به پرسپولیس اظهار پشیمانی می‌کند که در سه فصل حضور خود در این باشگاه از بهترین‌های این تیم محسوب می‌شد. با این حال او اظهارنظری جنجالی در خصوص دلایل جدایی‌اش از پرسپولیس عنوان کرده است: «به خاطر دفاع از بازیکنان رده‌های پایه با مدیرعامل وقت پرسپولیس درگیر شدم و همین موضوع باعث جدایی‌ام از این تیم شد». او در خصوص تصمیم بازیکنان تیم ملی در مورد پاس ندادن به علی دایی که یحیی گل‌محمدی آن را تایید کرده بود نیز گفته است: «یحیی گل‌محمدی عزیز دل من است ولی دروغ می‌گوید. به جان مادرم قرار نبود به علی دایی پاس ندهیم».

تصمیم نیمار

فوتبال آسیا و عربستان برای نیمار ستاره برزیلی فوتبال جهان بد یمن بوده است. او در بازی الهلال عربستان با استقلال ایران دوباره مصدوم شد. مصدومیت این بازیکن از ناحیه عضلات ران باعث شده است که حداقل چند هفته نتواند تیمش را در رقابت‌های لیگ عربستان یا رقابت‌های آسیایی همراهی کند و به همین دلیل چند روز قبل به برزیل برگشت تا روند درمانش را در این کشور ادامه دهد. نیمار در این سفر و هنگام توقف کوتاه در ایتالیا با پیشنهاد هواداران باشگاه فورتالزا روبه‌رو شد و جالب اینکه این ستاره برزیلی به این پیشنهاد روی خوش نشان داده و با گفتن «با کمال میل و افتخار» شایعه خروج از فوتبال عربستان را دامن زده است. به نظر می‌رسد نیمار دیگر تمایلی برای ادامه همکاری با باشگاه عربستانی الهلال ندارد و قصد دارد در پنجره نقل و انتقالات زمستانی در ماه ژانویه سال آینده این تیم را ترک کند. او به احتمال زیاد راهی سانتوس در برزیل

ایرانی فوتبال به عنوان سرمربی آکادمی این تیم در اورنج کانتی معرفی شد و قرار است در این حوزه فعالیت خودش را آغاز کند. گفتنی است؛ مجید صالح در سال‌های گذشته سابقه دستبازی امیرقلعه‌نویی و پرویز مظلومی و حتی کارلوس کی‌روش در تیم ملی را در کارنامه دارد. آخرین فعالیت او در فوتبال ایران مربوط به باشگاه پیکان است که بدلیل کسب نتایج نامناسب به استعفا و منجر شد. با این حال صالح از تکنیسین‌های خوشفکر و ایده‌پرداز فوتبال ایران است که مورد توجه اهالی فوتبال کشور قرار گرفت. لازم به ذکر است؛ باشگاه اینترمیلان سال‌های زیادی است که در زمینه کشف استعدادها فعالیت گسترده‌ای دارد.

دفاع از موسمیانه

پیتسو موسمیانه در بدترین شرایط سکان هدایت استقلال را بدست گرفت. اما این سرمربی که کارنامه‌ای نسبتاً موفق نیز دارد، سعی کرده است در سریع‌ترین مدت استقلال را از بحران نجات بدهد. در همین راستا راجر دی سا دستیار کی‌روش در خصوص سرمربی استقلال گفته است: «موسمیانه با قبول این چالش اشتباه نکرده است. وقتی وسط فصل به تیمی می‌پیوندید، نمی‌توانید تغییرات عمده‌ای ایجاد کنید. زمان برای تطبیق وجود ندارد، پس او باید به کار خود ادامه دهد. من کاملاً شگفت‌زده هستم که

اقتصاد حرف اول را در تمام مسائل و

موضوعات جامعه از جمله فوتبال می‌زند.

البته باید قبل از داشتن اقتصاد قوی، فرهنگی

تاثیرگذار و مدیریتی قدرتمند داشت؛ زیرا این

فرهنگ و مدیریت کارآمد است که به مقوله

مهمی چون اقتصاد کمک می‌کند تا در مسیر

درست حرکت نماید. به همین علت باید

اعتراف کرد؛ تغییرات مدیریتی که در فوتبال

ایران با حجم بالا و سرعتی باور نکردنی اتفاق

افتاده و خواهد افتاد، کمترین تاثیر را در

پیشبرد اهداف و پیشرفت اوضاع این رشته در

ایران داشته است.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهرداد تیموری

مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

صفحه آرا: امیر بیات

تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: صمیم



«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد



مهلت ارسال آثار:

۳۰ آبان ۱۴۰۳

جهت کسب اطلاعات بیشتر
به سایت سازمان مراجعه شود

www.park.karaj.ir

alavipour.zibaazl@gmail.com

فراخوان طراحی

و ساخت تندیس

شهرهید مهدی

شروع پسند

